


نقش زن در موسیقی مناطق ایران

پژوهش و نگارش: هوشنگ جاوید

جلد دوم



انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)	
	دفتر موسیقی سوره مهر
	نقش زن در موسیقی مناطق ایران
	پژوهش و نگارش: هوشنگ جاوید
طراح جلد: هما دلورای	
چاپ و صحافی: شرکت: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه	
چاپ دوم: ۱۳۹۵	
شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه	
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۳۹۱-۴	
سرشناسه: جاوید، هوشنگ، ۱۳۳۸ -	
عنوان و نام پدیدآور: نقش زن در موسیقی مناطق ایران / پژوهش و نگارش هوشنگ جاوید.	
وضعیت ویراست: [ویراست ۲].	
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۴.	
مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.	
ISBN: 978 - 600 - 03 - 0391 - 4	
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع: زنان در موسیقی	
موضوع: موسیقی محلی ایرانی -- تاریخ و نقد	
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر	
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ن ۲ ج / ML۲۷۵۶	
رده بندی دیویی: ۷۸۹/۹	
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۳۸۱-۷	
نشانی: تهران خیابان حقیق خیابان رشت بلاک ۲۳	
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴	
تلفن: ۶۱۹۴۲	
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹	
تلفن مرکز بخش (بج خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱	
WWW.SOOREMEHR.IR	
نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.	

- سپاس نامه / ۹
- پیش‌نویس‌های برای این نهشت / ۱۱
- بخش اول: نشانه‌یابی ایمان و باورهای دینی در آواها و نغمات زنان ایرانی / ۱۵
- بخش دوم: بررسی ترانه‌های کار و تلاش در میان زنان ایرانی / ۲۳
- بخش سوم: موسیقی آوازی زنان ایران و مسئله زبان مادری / ۴۵
- بخش چهارم: موسیقی آئینی مذهبی زنان ایرانی / ۶۳
- بخش پنجم: نگرشی به موسیقی زنان در استان گلستان / ۷۵
- بخش ششم: گفت‌وگو با آشنایان به موسیقی زنان در نواحی ایران / ۱۰۳
- بخش هفتم: نمودار دسته‌بندی موسیقی زنان در نواحی و مناطق ایران بر اساس پژوهش‌ها و نتایج به دست آمده / ۱۳۳
- بخش هشتم: گپ برای آنکه می‌شنود، می‌خواند و می‌داند که... / ۱۴۱
- بخش نهم: گزیده سخنرانی‌ها / ۱۴۵
- بخش دهم: زنِ رامشگر، زنِ چامه‌گو، زنِ حکایت‌گر و... / ۱۶۷
- بخش یازدهم: انگاره باورها و اسطوره‌ها در موسیقی زنان مناطق و نواحی ایران / ۱۸۷
- بخش دوازدهم: رو در رو / ۲۰۹
- بست و انجام سخن / ۲۴۳

سیاس نامه

در این قرن سودازده که بازار سوداگری و کاسب کاری مبادلات اقتصادی نغمه‌ها رواج یافته، پرداختن به موسیقی خاص زنان در نواحی ایران که به نظر این بنده درگاه الهی هوشیاری دلیل‌های لیلی است و سجده شگری بر سجاده عقل به درگاه احدیت، گوش شنوایی می‌طلبید که حرف را تثبیت کند؛ در این میان مرکز موسیقی حوزه هنری این مهم را به عهده گرفت، چرا که این مرکز همواره پیشگام در امر مسائل مربوط به پژوهش‌های موسیقایی است. به آقای رضا مهدوی مدیرکل مرکز موسیقی به علت تقبل زحمات فراوان سیاس خود را ابراز می‌دارم و امید دارم که این کار انجام شده مورد قبول حضرت حق باشد.

هوشنگ جاوید

پیش نبشته ای برای این نهشت

موسیقی زنان یعنی شرح خون جگرانی که وصال را تفسیر می‌کنند، هزار چشمه به یک چشمه این بداهه‌خوانان نمی‌رسد. موسیقی زنان شمعی است کنج شبستان دل، جلوه‌ای دل افکن دارد، ناله خاموشی است از دلی پرخروش، اشکی که هر گاه به دل محنت‌کش ساز می‌چکد، شهاب ثاقب نازل می‌شود.

شیدایی در نغماتشان، نشان از ایستادن رو به در انتظار دارد. موسیقی زنان هوشیاری دلیل‌های لیلی است و امی‌داردت که در کوی عشق‌بازی غیر از درست به چیزی الفت‌نگیری. موسیقی زنان پیوند انسان با عالم بالا است، به دو سبب ارتباط و نیاز.

نغمات زنان سجده شکری است روی سجاده عقل که می‌خواهد نغمه نقد را سرمایه حیات ارواح نماید؛ اندرز است و گوش جان می‌طلبد. اینان با زخمه دل حیاتی دوباره می‌سازند و آن کس این نغمه می‌شناسد که صاحب نفس و «نه مرغ قفس» باشد. پاره‌های دلشان را چنگ می‌زنند، حاشیه ابریشمین روحشان را قیچی می‌کنند تا یک سرخ از تار و پود احساسشان گیر بیاورند، آن را می‌کشند تا حله اندیشه و دلشان را از هم بگسلند؛ آن وقت است که می‌بینی یک تعبیر آن‌ها همه وجودت را می‌لرزاند که به آن مدیونی و آن رشد تو است؛ بالیدن، دست و پا زدنت تا پا گرفتن، پاگرفتن تا پشت نیمکت مدرسه

و اتاق درس دانشگاه و مقام یافتن و فرمان دادن یا فرمان بردن...

راستی، یادت هست که چگونه دلت آرام می‌گرفت، آن وقتی که صدای رعد، تو را می‌ترساند و یا پارس سگی هراسانت می‌کرد؟ پشت مادرت در چادری بسته شده بودی، یا در بغلش بودی یا توی گهواره، زمستان بود یا تابستان، آن زمان که صدای آواز گرم مادر دلت را می‌برد، ترست می‌ریخت. چه می‌خواند؟ ذکر بود، زمزمه بود، آواز بود یا ترانه؟ یادت هست؟

دیوانوشته‌های دلت را که پاک کنی با نقش‌های در حال رنگ باختن روی ذهنت چه می‌کنی؟ فریاد من و تو در برابر ظلم، حاصل رشد جوانه‌هایی بود که او در مزرعه دلمان کاشته بود، مادر جوانی‌اش را در گوش من و تو و جامعه محدود زندگی خودش زمزمه کرد تا دل ما جوانه بزند؛ او پیر شد ما برنا، ما تیر شدیم و او کمان، و هر دو مانده‌ایم در کف زمان.

می‌دانی، مادر با نغمه‌هایش به ما آموخت که ایران کشور بزرگی نیست بلکه بزرگی ایران در وسعت دل ما و در عظمت همت ما است. مادر سراینده ذکر مولا بود و رستم، دلگیر بودن هوا، کوتاهی سقف آسمان، دل‌مرده بودن زمین و اتمی شدن جنگل جهان برایش معنی نداشت. مادر بود یا مادر بزرگ؟

او که به ما یاد می‌داد: مفهوم نگاه زیبا را دریابیم، کوری عیب نیست، به ما با آواز می‌گفت "شوق قدم‌ها را پیدا کن، بی‌پایی عیب نیست". او با نغمه‌هایش به ما می‌آموخت که لمس خدا را در لحظه‌ها بیابیم، بی‌دستی مسئله‌ای نیست. ما فرزندی را از مادر آموختیم. زنان ایرانی با نغماتشان همواره مشعل شکوه‌افروز بوده‌اند در نیایشگاه زندگی، چونان مهدی اخوان ثالث که سرود:

انگار روح آبی و آب است
انگار هم بیدار و هم خواب است
انگار غم در کسوت شادی است
انگار تصویر خدا، در بهترین قاب است

این یادگار ذهن را نباید حفظ و یا حداقل ثبت کرد که بماند؟

من و تو خوب می‌دانیم که این بازیافتن اصالت، این روشن بینی، این تلاش برای رسیدن به رستگاری در زمانه پر از طالبان و داعش و امریکا و اسرائیل و اتم و لیزر و دیزیتال و کامپیوتر و ماهواره و هزار درد بی‌درمان توارد فرهنگی به ناچار، چه عظمتی

دارد اگر ما لحظه‌های پر عصمت و عطوفت و عشق این بخش از فرهنگِ سترگِ زنِ
متدینِ ایرانی را دریابیم.

و

بدانیم که:

موسیقی زنان ایرانی که امروزه مخاطب رسانه‌ها هستند
برای نسل پیشین چه بوده و در این سال‌های بی‌اعتنایی چه به روزش آمده!
در

بہتر شنیدن این نغمه‌ها

خدا توفیقتان بدهد

همواره گفته‌اند ناله و نی، و نوشته‌اند؛ اما سوزِ سینه آهی آتشگون دارد از آفتاب حقیقت.
آوازاها و موسیقی زنان به رنگ گل‌های لباسِ مریم است، آئینه‌ای است فرورفته در زنگ،
خورشیدی است که پس از قرن‌ها کم‌رنگ شده، پرنده‌ای است که در حسرت پرواز
بال‌بال می‌زند. این نغمات شادابی خود را از میهمانی رنگ‌های طبیعت دارند، در کوچه
خواب ما به زمزمه شب‌نم در گوش گل لاله عباسی می‌مانند در حالی که ما با قرص‌های
شیمیایی می‌خواهیم و دیگر در خوابمان هم عرفان نداریم چه رسد به شب‌شناسی!
ساقه‌های تردد و قشنگ این نغمات با همه رنگارنگی‌شان در حال خشکیدن است و ما
در این اندیشه‌ایم که میزان قطر ریشه‌های این درختان تنومند را به دست آوریم!
نغمات موسیقی زنان مناطق و نواحی ایران آئینه‌های دیروزند و حریر رؤیای فردا،
چونان برکه مهتاب که خود بیداری است در خواب، این آوازاها از گلوی خونین خیالاتی
واصل برمی‌آید و به همین سبب بر دل و جان می‌نشیند.

ایزد یکتا را سپاسگزارم که مجالی فراهم شد تا جدای از چاپ و اتمام جلد اول
با استقبال خوب مخاطبان این بار نیز جلد دوم را برای یک پارچه شدن در یک
مجلد (جلد دوم در جلد اول ادغام شد) ارائه دهیم و دفتری دیگر از مردم‌شناسی
موسیقی زنان مناطق و نواحی ایران را که به همت مرکز موسیقی در تالاراندیشه
۲۶ تا ۲۸ مرداد ۱۳۸۲ برگزار شد به یادگار بماند. در این راه از یاری جناب آقای
رضا مهدوی مدیر کل محترم مرکز موسیقی حوزه هنری و همچنین کمک‌های خانم
زهره شجاعی رئیس وقت مرکز امور مشارکت زنان - ریاست جمهوری کمال تشکر
و امتنان را دارم.

یادآور می‌شود توضیحات لازم و ضروری در [] آمده است و آوانگاری برخی شعرها بر اساس فونتیک (علمی که به مطالعه اصوات، ترکیب آن‌ها و تلفظ‌های یک زبان می‌پردازد.) ارائه شده از سوی شادروان «انجوی شیرازی» استاد گران‌قدرم و بنیانگذار مرکز فرهنگ مردم در صدا و سیما انجام شده است.

هوشنگ جاوید

۸۲/۱۲/۲۰

تصحیح: پاییز ۱۳۹۴

houshangjauid@yahoo.com



می خواهیم بگویم سنت‌ها یمان زیباست

گفت‌وگو با دختران میناب - استان هرمزگان

در پژوهش‌های میدانی برای دومین جشنواره موسیقی زنان مناطق و نواحی ایران با خبر شدم که گروهی از دختران شهرستان میناب که همگی دوره دبیرستان و پیش‌دانشگاهی را به پایان برده‌اند، با تأثیر از اخبار جشنواره اول موسیقی زنان مناطق و نواحی ایران گرد هم آمده‌اند و همت به خرج داده و آوازاها و موسیقی زنان منطقه خود را زنده کرده‌اند. در همین مناسبت با راهنمایی آقای فریبرز رستمی با سید محمد رودباری زاده آشنا شدم و با هم به دیدار این گروه رفتیم. دخترانی جوان که همگی دستی به کاوش و نوشتن دارند. شعر می‌گویند، داستان کوتاه می‌نویسند و دو سه تن از آن‌ها در پی گردآوری واژه‌نامه گویش میناب هستند. یک نفر از این گروه شاگرد استثنایی است و در هفده سالگی پیش‌دانشگاهی را به پایان برده و می‌خواهد در کنکور شرکت کند. شور و علاقه‌ای که درباره حفظ آئین‌ها و هنرهای آوازی زنان منطقه خودشان دارند در این زمانه پر آشوب و فرنگ زده مرا متعجب می‌کند. همگی لباس بومی خود را که شامل شلوار، جیل بیل، خشابه (نقاب) و چادر است می‌پوشند و به این مهم افتخار می‌کنند. با آن‌ها به گفت‌وگو می‌پردازم

و در آغاز کلام از آن‌ها معرفی ساده‌ای می‌خواهم که به آرامی و کوتاه پاسخ می‌دهند: «آسیه زاهدی»، ۱۷ ساله، دورهٔ پیش‌دانشگاهی را گذرانده و در تمام مدت تحصیل شاگرد اول بوده است. می‌گوید: «اعتقاد و علاقه‌ام به سنت‌ها و آئین‌ها از خانواده‌ام سرمنشأ گرفته، تمامی خانوادهٔ من از شیوخ منطقه بوده‌اند. جدّ پدری‌ام «شیخ کامل» بوده که متخصص مراسم زار بوده‌اند. جدّ پدری ما اگر دعایی می‌خوانده آب رودخانه ساکن می‌شده، این را تمام مردم منطقه می‌دانند و به آن معترف هستند. من آوازاها و موسیقی را از پدر بزرگ و مادر بزرگم یاد گرفتم. اگر به دنبال این هنر نمی‌رفتم شاید خیلی از مسائل را نمی‌شناختم. به این اعتقاد دارم که آیندهٔ انسان از گذشته‌اش بهره می‌برد، به همین دلیل به سمت زنده نگه‌داشتن سنت‌ها رفتم. من حتی کتابچه‌ای از واژه‌های بومی را آماده کرده‌ام که نمی‌دانم کجا آن را چاپ کنم.»

«فائقه زارعی»، ۱۹ ساله، محصل دورهٔ پیش‌دانشگاهی، می‌گوید: «من آوازاها را از مادر بزرگم «مهری غفوری» یاد گرفتم. به علت علاقه‌ام به آئین‌ها و رسوم کهن به دنبال این هنر رفتم و برای خودم دفتری از واژه‌های قدیمی را گرد آورده‌ام که هنوز هم مشغول تکمیل آن هستم.»

«لیلا حاجبی»، ۲۰ ساله، دیپلمه و متأهل است. او در اصل اهل روستای چاهستان میناب است و اکنون در شهر میناب زندگی می‌کند. می‌گوید: «همیشه برایم این پرسش مطرح بود که چرا سنت‌های ما از یاد می‌روند؟ به دلیل همین پرسش به دنبال آئین‌های کهن رفتم. نخستین بار که جهله [کوزه سفالی آب که مخصوص منطقه است] را به دست گرفتم توانستم خوب بنوازم. اگر عمری باشد و زنده بمانم، کوشش می‌کنم تا سنت‌های ما از یاد نروند؛ زیرا علاقهٔ ویژه‌ای به مادر بزرگم داشتم. نام او بی‌بی گل قاسمی بود. من با آوازهای او زندگی کردم و بزرگ شدم. طرز شروند^۱ [همان شروه‌خوانی، دوبیتی‌خوانی در گویش بومی] زدن را هم از او یاد گرفتم.»

«مرضیه رحیمی»، ۲۰ ساله و دیپلمه، برای شرکت در کنکور ثبت نام کرده است. می‌گوید: «از مادرم «لیلا علیرضایی» که هم مولودی‌خوان و هم نوحه‌خوان مجالس زنانه است آوازاها را یاد گرفته‌ام.»

«فاطمه صالحی»، ۲۰ ساله، دورهٔ پیش‌دانشگاهی را به پایان برده است. می‌گوید: «از کودکی علاقهٔ ویژه‌ای به این آوازاها پیدا کرده بودم، وقتی بزرگ‌تر شدم شعرها و آوازاها

1. sarvend

را از مادرم «کنیز سالاریان» یاد گرفتیم.»

می‌پرسم تا چه اندازه با آئین‌ها و آوازهای ویژه زنان منطقه میناب آشنا شده‌اید؟ این گونه پاسخ می‌دهند: «اول از جهله و جهله‌زنی می‌گوییم، جهله^۱ در منطقه میناب سابقه فراوانی دارد، بر اساس پژوهش‌های مطلعین منطقه، مشخص شده که روستای «پُشت شهوار» زمانی منطقه تولید انبوه ظروف سفالی و جهله بوده است. حالا از آن همه سازنده تعداد اندکی باقی مانده‌اند که کار جهله‌سازی را انجام می‌دهند؛ معروف‌ترین آن‌ها خانواده رحیمی‌ها هستند.

جهله‌زنی^۲ زنان هم سابقه دیرینه‌ای در منطقه دارد. زمانی که زنان در گذشته برای آوردن آب به سرچشمه‌ها یا آب انبار می‌رفته‌اند، با هم به آوازخوانی جمعی می‌پرداخته‌اند و در همان حال جهله را به عنوان صداساز نظم‌دهنده استفاده می‌کرده‌اند. از همان زمان جهله‌زنی در بین زنان رسم بوده. امروزه هم مردان این کار را در موسیقی‌های صحنه‌ای از زنان وام گرفته و اجرا می‌کنند. البته آن آوازهایی که برای آب آوردن می‌خوانده‌اند از یاد رفته است. شاید نزدیک به چهل سال باشد که بسیاری از این آوازا و آئین‌ها اجرا نمی‌شود و از یاد رفته‌اند.

آئین‌های ما به خصوص آئین‌های زنان به شدت در خطر است؛ مردان دلشان می‌خواهد زنان امروزی داشته باشند، بیشتر به دنبال مُد روز هستند؛ حتی برخی جلوی زنشان را در زمینه به جا آوردن آئین‌ها و مراسم قدیم می‌گیرند!

از یک سو به علت اینکه خانم‌ها کارمند شده‌اند و کار اداری می‌کنند و یا به تحصیل دانشگاهی اشتغال دارند دیگر حوصله پی‌گیری سنت‌ها را از دست داده‌اند. از سوی دیگر پیرزن‌ها هم که این میراث نزد آن‌ها است یکی یکی رخت از دنیا می‌بندند و می‌روند و از صفحه روزگار محو می‌شوند. حتی آرام آرام لباس بومی زنان ما در حال عوض شدن است. بیشتر در خانه‌ها لباس‌های فرنگی را می‌پوشند که در ایران رایج است. تاپ، تی شرت و... کمتر کسی پیدا می‌شود که لباس بومی بدوزد. در چنین حال و هوایی ما به دنبال هنرهای گمشده قدیمی زنان شهرمان هستیم.

در میناب زنان در تمامی اوقات و آئین‌ها آواز موسیقی خاص خود را داشته‌اند، مانند مراسم آئینی «قبله دعا»^۳ که ویژه آئین باران‌خواهی است. این آئین را در منطقه باز از

1. jahle
2. jahlezani
3. Qeble Doa

آنچه در این کتاب آمده شرح مختصری است از یک دایرةالمعارف شفاهی موسیقایی در بین زنان اقوام ایرانی. سخنی است دربارهٔ روش به‌کارگیری کلام آهنگین و ترانه - که هدف معینی را دنبال می‌کرده - توسط مادرانی که بداهه‌وار با حافظهٔ تاریخی و تکیه بر ذوق فردی به اقتضای زمان، جغرافیای زیست‌محیطی، و نوع معیشت موسیقی و ادب را به گوش جان می‌خواندند و بدین‌گونه به بازخوانی از به خاطر سپرده‌ها دربارهٔ فرهنگ این مرزوبوم می‌پرداختند.

اگر بخواهیم معانی و اشاره‌ها و تعبیرهای نهفته در نغمه‌های مادران ایرانی را از هر قوم و قبیله‌ای به تحلیل و تفسیر بنشینیم، کتاب‌ها و مقاله‌ها باید نوشته شود که این مجموعه در نوع خود منحصر و زمینه‌ای است برای آیندگان علاقه‌مند به فرهنگ موسیقایی زنان ایرانی.

سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

ناشر برگزیده سال‌های ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰



دفتر موسیقی سوره مهر

ناشر برتر اندیشه و هنر انقلاب اسلامی

تهران/ خیابان حافظ/ خیابان رشت/ پلاک ۲۳

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۱۱۴۴ تلفن: ۶۱۹۴۲

سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

مرکز بخش: شرکت انتشارات سوره مهر

تلفن: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

نقش رز در موسیقی مناطق ایران

قیمت: ۱۱۰,۰۰۰ ریال

شماره کالا: ۱۵۶۲۵

AS725

کجاوه سخن سوره مهر ۶۶۴۷۶۵۶۸

